

DOI: [10.30512/KQ.2022.18255.3386](https://doi.org/10.30512/KQ.2022.18255.3386)

## تحلیل دیدگاه مفسران غرب جهان اسلام (ابن عربی، ابن عطیه، قرطبی و ابن عاشور) در مسأله خلقت زن از مرد\*

حسن رضایی هفتادری<sup>۱</sup>

مهناز قدرتی قره قشلاقی<sup>۲</sup>

### چکیده

فهم درست نسبت به حقیقت هر چیز، به ویژه ماهیت انسان، تأثیر مستقیم بر کیفیت هویت بخشی و تدوین حقوق متناسب با آن دارد. به همین دلیل در این جستار، با اشاره به آیات خلقت زن از مرد، نحوه مواجهه مفسران غرب جهان اسلام (ابن عربی، ابن عطیه، قرطبی و ابن عاشور) با آیات خلقت زن مورد بررسی قرار گرفته تا ادعای وجود تبعیض جنسیتی در آیات پیش گفته - که برداشت تفسیر مفسران یاد شده است - تحلیل شود.

مفسران یادشده با وجود اختلاف در مفردات آیات مربوطه، نتیجه مشترکی از کیفیت و هدف از خلقت زن ارائه کرده‌اند. ابن عربی، ابن عطیه و قرطبی حرف «مِنْ» در آیه ۱ نساء و ۷۲ نحل را «مِنْ» جنسیه دانسته‌اند؛ ولی ابن عاشور، «مِنْ» تبعیضیه می‌داند. با وجود این، همه مفسران یادشده، تبعیض در مبدأ خلقت را نتیجه گرفته‌اند. همچنین، ابن عطیه و قرطبی، «مِنْ» در آیه ۲۱ روم و ۱۸۹ اعراف را «مِنْ» جنسیه دانسته‌اند؛ اما ابن عاشور در ۲۱ روم، «مِنْ» نوع و در ۱۸۹ اعراف، «مِنْ» تبعیضیه می‌داند. البته، همه مفسران یادشده، هدف از خلقت زن را خدمت به مرد بیان کرده‌اند که ادعایشان بر دو دلیل استوار است: دلیل اولشان، به روایتی است که توأم با روایات متعارض است و دلیل دومشان، بر تفسیر «ثُمَّ» در آیه ۶ زمر است که بدون بررسی رابطه معطوف و معطوف‌علیه، آن را به معنای تأخیر رتبی گرفته‌اند؛ در صورتی که لفظ «ثُمَّ»، هنگامی بر تراخی رتبی دلالت دارد که در آیه، شواهدی دال بر پایین بودن جایگاه معطوف نسبت به معطوف‌علیه وجود داشته باشد. با توجه به اینکه چنین شواهدی در آیات مربوطه یافت نشد؛ اندیشه قرآنی، دلالت بر یکسانی و یگانگی ماهوی زن و مرد دارد. گواه بر این مطلب، تقریر میزان واحد ارزیابی تقوا برای همه انسان‌هاست.

واژگان کلیدی: خلقت زن از مرد، غرب جهان اسلام، فروتری زن، فراتری مرد، مطالعات زنان، تفسیر تطبیقی.

\* تاریخ ارسال: ۱۶ / ۰۱ / ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۲۳ / ۰۴ / ۱۴۰۱ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکده فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / hrezaii@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی

تهران / [ghdmahnaz@gmail.com](mailto:ghdmahnaz@gmail.com)

\*\*مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

## ۱- مقدمه

قرآن، منبع نخست مسلمانان در شناخت اسلام است که اختلاف نظرهای زیادی در تفسیر و برداشت از آیات آن وجود دارد. مسأله زن، به دلیل مقایسه موقعیت زنان مسلمان با موقعیت زنان کشورهای صنعتی توسط افراد مختلف در سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی، از چالش‌های جدی در دنیای امروز و از جمله موضوعات پربحث جوامع و شاخص ارزیابی مسلمانان است. به همین علت، خلقت زن و چگونگی آن در مقایسه با مرد، همواره کانون توجه قرآن‌پژوهان بوده است. خلقت زن، در زمره مسائل معرفتی است که وحدت‌نظری درباره آن بین مفسران وجود ندارد. برخی به خلقت مستقل زن معتقدند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، صص ۴۱-۴۴ / مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۴۴) و عده‌ای زن را مخلوقی از اجزای مرد می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۵ / ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۴۸).

معرفت و فهم درست نسبت به حقیقت هر چیز، تأثیری مستقیم بر نوع و کیفیت هویت‌بخشی به آن دارد. به ویژه، اگر معرفت و آگاهی نسبت به ماهیت انسان، خصوصاً زن محل بحث قرار گیرد؛ زنی که وجودش موطن رشد و تربیت فرزندان آدم(ع) است. از این‌رو، فرق است بین زنی که از نظر هویت هم‌پایه مرد به شمار می‌آید و از خلقت مستقل و ظرفیت رشد و تعالی برخوردار است، با زنی که طفیلی مرد و وابسته به او و برای وی خلق شده باشد چنانکه حقوق تدوین‌شده برای این دو تن نیز، متفاوت است (داودی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱). بدین جهت، درستی یا نادرستی فروتری زن نسبت به مرد اهمیت پیدا می‌کند.

با توجه به اینکه اصول و معارف اسلامی در قرون وسطی از طریق مراکز علمی اندلس به اروپا راه یافت و بسیاری از دانشمندان اروپای غربی در مدارس اسلامی تحصیل کردند و بر آثار اسلامی و دیدگاه‌های آنان تسلط یافتند، اشاعه نگاه تبعیض جنسیتی به نام دین در تفاسیر اسلامی این منطقه، نه تنها اثرات جبران‌ناپذیری مانند هم‌رأی جلوه‌دادن قرآن کریم با کتب تحریف‌شده اهل کتاب در این زمینه را که منشاء اصلی دیدگاه فرعیت و فروتر بودن زن نسبت به مرد در خلقت است، به دنبال داشت (متین، ۱۳۸۴، صص ۴۹-۶۸)؛ بلکه منابع اسلامی را در ایجاد و گسترش گرایش‌هایی چون فمینیسم، مؤثر جلوه داد. بدین سبب، ضرورت این نوشتار، ارزش بیشتری پیدا می‌کند. دیدگاه ابن‌عاشور ذیل آیات یادشده، از آن جهت که از مفسران نواندیش و دارای آرای اصلاحی و صاحب‌نام عصر حاضر در غرب جهان اسلام (تونس) است (شکیب انصاری، ۱۳۹۴، ص ۹۵)، حائز اهمیت می‌باشد.

## ۲- بیان مسأله

از جمله چالش‌هایی که در سده‌های متمادی بین مفسران قرآن پیوسته جاری بوده، برداشت‌های متفاوت از آیات مربوط به مبدأ خلقت زن و چگونگی آن در مقایسه با مرد است به طوری که برخی زن را دارای خلقت اصیل و هم‌پای مردان دانسته (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، صص ۴۱-۴۴ / مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۴۴) و گروهی زن را فرع و طفیلی آن بیان کرده‌اند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۸۱). بدین علت، برای مشخص شدن موضع مفسران غرب جهان اسلام در این موضوع، ضمن اشاره به آیات خلقت و تفسیر

مفسران پیش‌گفته، ذیل هر یک از آیات یاد شده، به تحلیل دیدگاه آنان نسبت به یکدیگر پرداخته شده است. آیات خلقت عبارتند از:

- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (نساء: ۱/۴)؛ «ای مردم! خودتان را از عذاب پروردگارتان حفظ کنید، کسی که شما را از یک شخص آفرید و از او همسرش را آفرید و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.»

- ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (زمر: ۶/۳۹)؛ «شما را از نفسی واحد آفرید، سپس جفتش را از آن قرار داد.»

- ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنَ وَحِدَةٍ﴾ (نحل: ۱۶/۷۲)؛ «خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و برای شما از همسرانتان، فرزندان و نوه‌ها...».

- ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ (اعراف: ۱۸۹/۷)؛ «او خدایی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید.»

- ﴿مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (روم: ۲۱/۳۰)؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

مقاله حاضر، با نگاه جامع به آیات چالشی خلقت زن از مرد، به تحلیل دیدگاه مفسران غرب جهان اسلام ذیل آیات مذکور می‌پردازد تا تبیین کند چرا زن در تفاسیر پیش‌گفته، به کهرتی و موجود درجه دو نسبت به مرد متهم شده است؟ روشن است که اشاعه فروتری زن و فراتری مرد و نگاه ابزاری به زن به نام دین اسلام، در منابع دین‌شناسی چون تفاسیر، ضمن ایجاد آسیب اجتماعی به نام دین‌گریزی، منجر به دین‌ستیزی و فراهم‌آوردن زمینه برای گسترش گرایش‌هایی چون فیمینیسیم و نفوذ آن در کشورهای اسلامی می‌گردد چنانکه سیمون دو بووار<sup>۱</sup> می‌گوید: «زمانی که زن از سوی کاهنان و فیلسوفان و دانشمندان، جنس دوم و کهرت قلمداد می‌شود، بیانگر این است که جنس مرد همه چیز است و جنس زن ضمیمه‌ایی ناچیز و وضع تبعی زن خواسته آسمان‌هاست» (دو بووار، ۱۳۸۸، صص ۲۷ و ۱۰۱). همچنین، رزماری تانگ<sup>۲</sup> می‌گوید: «زنان تا زمانی که توسط مردان به شیء و دیگری تبدیل می‌شوند، نه تنها احساس عزت‌مندی نخواهند کرد، بلکه در حالت گرفتارند و به تعالی نخواهند رسید» (کرامتی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۶). بر این اساس، نوشتار حاضر در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است:

۱. نحوه برخورد مفسران غرب جهان اسلام، با آیات چالشی در حوزه خلقت زن چگونه بوده است؟

<sup>1</sup>. simone de Beauvoir

<sup>2</sup>. Rosemarie tong

۲. آیا در آیات خلقت، ارزش جنسیتی مطرح است؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤالات، از روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود. از این رو، ضمن یاری گرفتن از کتب تفسیری، از آیات قرآن به طور اخص بهره برده شده است.

### ۳- پیشینه تحقیق

آثار مختلفی، خلقت زن را در تفاسیر شرق جهان اسلام بررسی کرده‌اند. با وجود این، پژوهشی که دیدگاه مفسران غرب جهان اسلام (ابن عربی، ابن عطیه، قرطبی و ابن عاشور) را ذیل آیات خلقت زن از مرد بررسی و تحلیل کند، یافت نشد. این امر در حالی است که نگاه ایشان به جایگاه انسانی زن نسبت به مرد، با قلم تندتری چون درجه دو دانستن زن و اصل بودن مرد همراه شده است که در ادامه بحث بررسی خواهد شد. برخی از تألیفات، خلقت زن را در کنار پاره‌ای از چالش‌های حوزه مسائل زنان، تحلیل و تبیین نموده‌اند، نظیر:

- کتاب *قرآن و مسأله زن* (مهریزی، ۱۳۹۳، صص ۱-۵۱۹).

برخی دیگر، جایگاه انسانی زن را در اندیشه اسلامی بررسی می‌کنند:

- کتاب *زن در اسلام* (قطب، بی تا، صص ۱-۴۶)؛

- کتاب *زن در اندیشه اسلامی* (مهریزی، ۱۳۸۱، صص ۱-۱۹۶).

پاره‌ای دیگر به بررسی تطبیقی آفرینش زن در قرآن، تورات و انجیل می‌پردازند:

- مقاله «خلقت آدم و حواء در قرآن و تورات» (احسانی، ۱۳۹۴، صص ۱۷-۳۴)؛

- مقاله «آفرینش زن در قرآن، کتاب مقدس و اسرانیلیات» (علوی‌نژاد، ۱۳۸۶، صص ۷۷-۹۴)؛

- مقاله «بررسی آفرینش زن در قرآن، احادیث و تورات» (تاجری‌نسب، ۱۳۸۹، صص ۴۷-۵۸).

و بعضی از محققان مهم‌ترین داده‌ها را از نگاه اسلام، برای قضاوت در زمینه فراتری یا فروتری زن و مرد معرفی می‌کنند:

- مقاله «خلقت زن در اسلام، فراتری یا فروتری» (کدخدایی، ۱۳۹۵، صص ۲۷-۵۴).

برخی، روایاتی را که خلقت زن را تبعی و فرع بر آفرینش مرد می‌دانند، مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند:

- مقاله «روایات خلقت زن یا حواء در بوته نقد و نظر» (شریفی، ۱۳۹۸، صص ۲۷-۳۷).

### ۴- مفهوم‌شناسی

از جمله مفاهیمی که در آیات خلقت لازم است، مفهوم‌شناسی شوند، مفاهیم «نفس» و «زوج» است که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱- نفس

«نفس» از واژه‌های چندمعنایی است و منشأ آن همراهی با واژه‌های دیگر است. برخی، فهم دقیق و دستیابی به لایه‌های معنایی آن را در مطالعه روشمند و متناسب با ویژگی‌های قرآن بیان کرده‌اند (زرسان، ۱۳۹۷، ص ۵۲). برخی لغویان، «نفس» را بر وزن «فلس» به معنای ذات و واقعیت عینی یک

شیء دانسته و مصداق آن را آیه اول از سوره نساء بیان نموده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، صص ۱۹۷ و ۱۹۹/ ابن‌منظور، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۳۳/ مصطفوی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۹۹) و برخی دیگر بر اساس مذکر و مؤنث بودن، معنای متفاوتی برای «نفس» بیان کرده‌اند: «النفس بالفتح ثم السكون مذکر ان ارید به الشخص و مؤنث ان ارید به الروح و هی ذات الشی و حقیقته و عینه» (اعلمی حائری، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۱۷۱/ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۴).

چنانکه روشن است، ایشان «نفس» را زمانی که مؤنث باشد، حقیقت یک شیء می‌دانند و مقصود از آن را «روح» بیان می‌کنند. علامه طباطبایی «نفس» را آن چیزی می‌داند که بدان اضافه می‌شود: «نفس الانسان» یعنی خود انسان (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۸۵) چنانکه صدرالمتألهین، «نفس» را حقیقت تعلقی و اضافی می‌داند (صدرالمتألهین، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۱). معانی دیگری مانند خون جهنده (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۵) و خارج شدن نسیم هوا (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۶۰) نیز، برای «نفس» بیان شده است.

#### ۴-۲- زوج

زبان‌شناسان، «زوج» را به صنف و جفت و قرین، چه حیوان و چه غیرحیوان و به هر چیزی که شبیه یا نزدیک یا ضد دیگری است، معنا کرده‌اند که برای مذکر و مؤنث، یکسان به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۳/ فیومی، ۱۹۲۹، ج ۲، ص ۲۵۹/ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۸۷۹). بنت‌الشاطی متفکر مصری می‌گوید: «کَلِمَةُ زَوْجٍ تَأْتِي حَيْثُ تَكُونُ الزَّوْجِيَّةُ هِيَ مَنَاطُ الْمَوْقِفِ حِكْمَةً وَ آيَةً، أَوْ تَشْرِيحاً وَ حُكْمًا» (بنت‌الشاطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۰)؛ کلمه «زوج» زمانی به کار می‌رود که مسأله زوجیت یا جفت‌بودن بین زن و مرد، محور اصلی باشد؛ دارای حکمت و به عنوان آیه و نشانه خداوند باشد یا در مقام تشریح و تبیین حکمی در زمینه شرایط پیش‌گفته باشد.

#### ۵- دیدگاه‌های مفسران غرب جهان اسلام ذیل آیات خلقت

غرب جهان اسلام نقطه مقابل شرق، از جمله مناطق جهان اسلام است که به کشورهای حد فاصل مصر تا اقیانوس اطلس، شامل لیبی، تونس، الجزایر، موریتانی و اندلس (اسپانیای فعلی) گفته می‌شود (ناصری طاهری، ۱۳۹۱، ص ۳) و سال‌ها مرکز نشر دانش و تعلیم و تعلم بوده است به طوری که فقیهان، عالمان و مفسران بسیاری از جمله، ابن‌عربی، قرطبی، ابن‌عطیه و ابن‌عاشور در آنها ظهور کرده‌اند. تفاسیر مفسران پیش‌گفته ذیل آیات خلقت، به ترتیب قرن بیان می‌شود تا با توجه به فاصله زمانی و نکات مشترک بین آنها (مذهب، منطقه جغرافیایی، هم‌جنس بودن و...)، تأثیرپذیری و تفاوت‌های تفسیری آنها نسبت به یکدیگر برحسب ضرورت بررسی شود.

#### ۵-۱- ابن‌عربی

ابن‌عربی در زمینه مبداء خلقت زن، از بین آیاتی که به این موضوع اشاره داشته (نساء: ۱/۴؛ زمر: ۳۹/ ۶؛ نحل: ۷۲/۱۶)؛ صرفاً ذیل آیه ۷۲ سوره نحل، «مِنْ» را در عبارت «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا»

«جنسیه»، به معنای هم‌نوع بودن حوا(ع) با آدم(ع) دانسته است و «أزواجاً» را مفرد «زوج» به معنای زن موجود درجه دو نسبت به مرد و وابسته به او تفسیر می‌کند و دلیلش را اینگونه بیان می‌کند: «ازواجاً زوج الرجل هی ثانیته، فإنه فرد، فإذا انضافت إليه كانت زوجین، وإنما جعلت الإضافة إليه دونها لأنه أصلها فی الوجود، وقوامها فی المعاش، وأمیرها فی التصرف، عاقلها فی النکاح، ومطلقها من قیده، وعاقل الصداق، والنقمة عنها فيه وواحد من هذا یکنی للإصالة فكیف بجمیعها» (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۱۶۰)؛ «أزواج (جمع زوج است و) زوج مرد به معنای نفر دوم [از نظر رتبه] نسبت به مرد است؛ زیرا مرد به تنهایی، فرد است و هرگاه زن به مرد اضافه شود، زوج می‌شوند و اینکه زن به مرد - و نه مرد به زن - اضافه شده است؛ بدین جهت است که مرد، اصل وجودی زن و سرپرست زن در تأمین معاش، صاحب اختیار زن برای تصرف در امور، طلاق‌دهنده و رهاکننده او از قید ازدواج، پرداخت کننده مهریه و نفقه اوست... و یکی از این موارد، بر اصل بودن مرد کافی است، چه رسد به همه آن موارد؟».

### ۵-۲- ابن عطیه اندلسی

ابن عطیه، «نفس» را در عبارت «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» ذیل آیات: نساء: ۱/۴؛ اعراف: ۱۸/۷ و زمر: ۶/۳۹، به شخص معنا می‌کند و مقصود از «نفس واحدة» را آدم(ع) می‌داند و تأیید «واحدة» را به سبب مؤنث بودن «نفس» دانسته است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، صص ۴ و ۴۸۶ و ج ۴، ص ۵۱۹) و از بین آیات بالا، ذیل آیه ۱ نساء، با نقل از مجاهد و قتاده اشاره می‌کند: اگر منظور از نفس، آدم(ع) باشد، برای رعایت معنا جایز است «نفس واحد» نیز قرائت گردد. وی «زوجها» را حوا(ع) و با نقل حدیث: «انَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ»، خلقت او را از پهلوئی آدم(ع)، درست‌تر از نظری می‌داند که خلقت حوا را از باقیمانده گل آدم(ع) دانسته است. وی مراد از واژه «زوج» را همسر مرد می‌داند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴) و «مِنْ» را در آیات اول نساء و ۲۱ روم، «مِنْ» جنس و در آیه ۷۲ سوره نحل، «مِنْ» نوع دانسته است (همان، ج ۲، ص ۴۸۶ و ج ۴، ص ۳۳۳). وی در آیه ۶ سوره زمر با نقل اقوالی، فرع بودن زن را تأیید می‌کند (همان، ج ۴، ص ۵۲۰). همچنین، در آیه ۱۸۹ اعراف با استناد به روایت: «انَّ آدَمَ نَامَ فَاسْتُخْرِجَتْ قُصْرَى أَضْلَاعِهِ وَ خُلِقَتْ مِنْهَا حَوَاءُ»؛ همانا آدم(ع) خوابید و خداوند کوتاه‌ترین دنده او را بیرون آورد و حوا را از آن آفرید، خلقت حوا(ع) را از اجزاء آدم(ع) و فلسفه خلقت او را در ذیل تفسیر «لَيْسَ كُنَّ إِلَيْهَا»، آرامش آدم(ع) بیان نموده است. در ادامه، تمام مراحل خلقت را ذیل این آیه مختص بهشت بیان می‌کند و برای بعد هبوط آن دو به دنیا، نحوه خلقت متفاوتی را معتقد است: «وَ كَانَ هَذَا كُلُّهُ فِي الْجَنَّةِ، ثُمَّ ابْتَدَأَ بِحَالَةِ آخِرَى هِيَ فِي الدُّنْيَا بَعْدَ هُبُوطِهِمَا»؛ همه اینها در بهشت بود. سپس، حالت دیگری از خلقت پس از هبوط آن دو در دنیا آغاز شد (همان، ج ۲، ص ۴۸۶).

### ۵-۳- قرطبی

از ویژگی‌های تفسیر قرطبی نقل بسیار از مفسران پیشین است (ایازی، ۱۴۱۴، ص ۴۱۱) و در ذیل آیات خلقت نیز، این امر اتفاق افتاده است. وی در تفسیر «نفس واحدة» و «خلق منها زوجها» در زمینه خلقت حوا(ع) و جواز قرائت «من نفس واحد»، مطالبی را بیان می‌کند که ابن عطیه، مفسر پیش از وی، بدان اشاره

کرده است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، صص ۳-۴ / قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲). همچنین، قرطبی با تکرار عین عبارات ابن عربی ذیل آیه ۷۲ نحل، همانند وی، زن را موجود درجه دوم نسبت به مرد معرفی نموده است: «ازواجاً زوج الرجل هی ثانیته، فانه فرد، فإذا انضافت الیه کانت زوجین، و إنما جعلت الإضافة الیه دونها لأنه أصلها فی الوجود» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۴۳)؛ أزواج (جمع زوج است و) زوج مرد نفر دوم [از نظر رتبه] نسبت به مرد است؛ زیرا مرد به تنهایی، فرد است و هرگاه زن به مرد اضافه شود، زوج می‌شوند و اینکه زن به مرد - و نه مرد به زن - اضافه شده است؛ بدین جهت است که مرد، اصل وجودی زن است. وی فلسفه خلقت حوا(ع) از آدم(ع) را ذیل عبارت «ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» در آیات ۶ زمر و نیز، در تفسیر آیه ۲۱ روم، تناسل و باروری و صرفاً آرامش آدم(ع) بیان کرده است: «ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا أَيْ لِيَحْضَلَ التَّنَاسُلُ»؛ از او جفتش را مقرر داشت، یعنی تا تولید مثل صورت گیرد و همانند ابن عطیه، تمام مراحل خلقت ذیل آیه ۱۸۹ اعراف را صرفاً مختص بهشت می‌داند: «وَ كَانَ هَذَا كُلُّهُ فِي الْجَنَّةِ، ثُمَّ ابْتَدَأَ بِحَالَةٍ أُخْرَى هِيَ فِي الدُّنْيَا بَعْدَ هُبُوطِهَا»؛ همه اینها در بهشت بود. سپس، حالت دیگری از خلقت پس از هبوط آن دو در دنیا آغاز شد (همان، ج ۱۵، ص ۲۳۵ و ج ۷، ص ۳۳۷ و ج ۱۴، ص ۱۶).

#### ۵-۴- ابن عاشور

ابن عاشور مراد از «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» را در عبارت «خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء: ۱/۴؛ اعراف: ۱۸۹/۷ و زمر: ۳۹/۶)، حضرت آدم(ع) دانسته است و علت خطاب با «أَيُّهَا النَّاسُ» را در آیه ۱ سوره نساء: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾، اشاره به آدم(ع)، به عنوان اصل مشترک همه انسان‌ها و نشانه قدرت و عظمت خداوند بیان می‌کند. وی «مِنْ» در عبارت «وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» ذیل آیه ۱ نساء و ۱۸۹ اعراف را «مِنْ» تبعیه و در آیه ۷۲ نحل و ۲۱ روم را «مِنْ» نوع دانسته است و خلقت حوا(ع) را از پهلوی آدم(ع) می‌داند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۹ و ج ۸، ص ۳۸۴ و ج ۱۳، ص ۱۷۶). همچنین، وی ذیل آیه ۶ سوره زمر، معتقد است، چون حوا(ع) از خلقت مستقلی برخوردار نبوده است؛ بنابراین، در مرتبه فروتر نسبت به آدم(ع) قرار دارد و با عبارت «(ثُمَّ) الدال فی تراخی المنزلة لا فی تراخی الزمن» بدان تصریح می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۲۲).

#### ۶- تحلیل

در تفاسیر ارائه‌شده از سوی مفسران یادشده، نکاتی قابل ذکر است:

الف) مفسر در کشف و فهم معارف کتاب آسمانی، نیازمند بهره‌گیری درست از منابع و مبنا قراردادن اصول و قواعد تفسیری است (شاکر، ۱۳۸۲، صص ۱۰۸-۱۰۰ / بابایی، ۱۳۹۴، صص ۶۰-۶۱ / ایازی، ۱۳۷۲، ص ۵۶). از جمله این قواعد، توجه به منابع لغوی در تبیین مفردات آیه‌های قرآنی است که از فرهنگ قرآن متأثر شده‌اند. از این رو، این منابع، مفسر را برای کشف معانی متناسب با متن آیه، به توجه در احتمال وجوه معانی و الفاظ دارای بیش از یک معنا فرا می‌خوانند؛ رفتاری که مفسران غرب جهان اسلام ذیل آیات خلقت رعایت نکرده و یا تلاششان از جدیت کافی برخوردار نبوده است.

واژه‌هایی که در آیات پیش گفته از عنصر چندمعنایی برخوردارند، عبارتند از: «نفس»، «زوج» و «مِنْ». همانطور که در بخش مفاهیم اشاره شد، لغویان برای واژه «نفس»، معانی متعددی چون «شخص»، «اصل» و «ذات» را بیان کرده‌اند که مفسران غرب جهان اسلام مانند برخی از مفسران شرق جهان اسلام (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۳۴/ تعالی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۴۱/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۵/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۴۱)، «نفس» را به شخص و مقصود از آن را آدم(ع) بیان کردند (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۸۲۰/ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲/ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۰).

این امر در حالی است که اولاً، اگر نظر به شخص باشد - در مورد حضرت آدم(ع) یا هر انسان معهود و منظوری - «من النفس» گفته می‌شود و صفت مؤنث «واحدة» و ضمیرهای «منها زوجها» مناسب نیستند؛ چون آنجا که منظور شخص است، صفت و ضمیر مذکر آورده می‌شود (طالقانی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۱۵/ اعلی حائری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۴۲). ثانیاً، «نفس» با «واحدة» همراه گشته و سبب انتقال معنای هر دو در یکدیگر شده است؛ زیرا کلمات در قرآن، جدا از یکدیگر نبوده و مقصود درست آیه، از مجموع ارتباط آنها با هم کشف می‌گردد (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۶). بنابراین، همراهی «نفس» با «واحدة» بیانگر این است که نفس، جنس سافل یا متوسط نیست که در آن انواع و اجناس نهاده شود و هر کس از نوع خاص آفریده گردد تا تمایزی ماهوی شکل بگیرد؛ بلکه «نفس واحدة»، به حقیقت واحدی اشاره دارد که بین انسان‌ها مشترک است. مؤید آن، خطاب کلمه «الناس» است که افاده عموم می‌کند و آدم(ع) و حوا(ع) هم مشمول آن هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، صص ۴۱-۴۲).

بر این اساس، مقصود از «نفس واحدة»، اشاره به آدم(ع)، به عنوان مبدأ واحد همه انسان‌ها در خلقت یا اصل مشترک همه انسان‌ها تحت عنوان پدر، امکان‌پذیر نیست، چیزی که مفسران یادشده اشاره نمودند؛ بلکه به دلیل خطاب جمع «الناس» که افاده عموم می‌کند و ضمیمه شدن تقوا در شروع و پایان آیه اصلی خلقت (نساء: ۱/۴) که تنها معیار ارزیابی همه انسان‌هاست، در کنار فعل جمع با ضمیر «کم» که بیانگر طرح موضوع مشترک بین همه انسان‌ها از جمله آدم(ع) و حواء(ع) هستند، می‌توان گفت، مرد و زن از یک حقیقت واحد و همانند هم برخوردارند. مؤید این مطلب، اشتراک در رشد و تعالی و کمال معنوی زن و مرد و دریافت پاداش است که قرآن در آیات فراوانی و از جمله آیه ذیل بدان اشاره می‌کند: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ...﴾ (احزاب: ۳۳/۳۵).

واژه «زوج»، نمونه دیگر در زمینه واژگان چندمعنایی است که فرهنگ‌نویسان آن را به «قرین و صنف» و واژه مشترک برای زن و مرد و با عنوان همسر معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، صص ۲۱۵-۲۱۶)؛ چیزی که ابن عاشور نیز بدان اشاره نموده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۳). با وجود این، وی همانند سایر مفسران غرب جهان اسلام (ابن عربی، ابن عطیه و قرطبی)، مقصود از «زوج» در آیات خلقت را حوا(ع) دانسته است؛ در حالی که نام حوا(ع) در قرآن ذکر نشده است و قرآن هنگام یادکرد از زنان، واژه «نساء» نیز به کار می‌برد (فرجامی، ۱۳۸۵، ص ۲). به علاوه، ضمیر متصل به «زوج» مؤنث است که در



صورت درستی تفسیر مفسران مذکور، با مرجع خود از نظر جنس تناسب ندارد و به جای «زوجها» باید «زوجه» بیان شود (طالقانی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۱۵).

اما در مورد حرف «من» در عبارت «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا»، بعضی مفسران پیش گفته، ذیل آیه ۱ سوره نساء و ۷۲ سوره نحل، «مِنْ» تبعیض (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۹)، و بعضی دیگر، «مِنْ» جنس دانسته‌اند (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۱۶۰/ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۷)؛ ولی فهم مشترکی از خلقت زن و مرد را تحت عنوان تبعیض در مبدأ خلقت نتیجه گرفته‌اند و سپس، فرع بودن زن نسبت به مرد را استنباط کرده‌اند. این درحالی است که مفسرانی که «مِنْ» را در آیات یادشده، «مِنْ» جنس دانسته‌اند، معتقدند که آیات مذکور، تشابه و تماثل در خلقت زن و مرد را بیان می‌کنند، نه اینکه خداوند بعضی از اجزای آدم (ع) را گرفت و حواء را از آن خلق کرد (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۴۴/ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱، صص ۱۳۹-۱۴۰) که اگر درست هم باشد، اولین زن از اولین مرد خلق شد، ولی پس از او دیگر چنین نیست؛ بلکه بالعکس، مردان از زنان خلق شده‌اند (مهیزی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۳).

گفتنی است، برخی از مفسران یادشده، ذیل برخی آیات که خلقت زن برای مرد از آنها استنباط می‌شود (روم: ۳۰/ ۲۱؛ اعراف: ۱۸۹/ ۷)، حرف «مِنْ» را در این آیات، «مِنْ» جنس دانسته‌اند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۸۶/ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷) و برخی در آیه ۱۸۹ سوره اعراف، «مِنْ» تبعیض و در آیه ۲۱ سوره روم، «مِنْ» نوع معنا کرده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۸۴ و ج ۲۱، ص ۳۳)؛ درحالی که هر دو آیه بحث سکون و آرامش را در زندگی مشترک مطرح می‌کنند که دو سویه است و هم برای مرد و هم برای زن حاصل می‌شود. به همین علت، هم‌سنخ بودن آن دو قرین (زن و مرد) را می‌طلبند که با «مِنْ» جنس تناسب دارد نه با «مِنْ» تبعیض و همانطور که در بالا اشاره شد، مفسران غرب جهان اسلام، با وجود اختلاف در معنای حرف «مِنْ» در آیات یادشده، همگی آرامش را ویژه مردان و هدف از خلقت زن را آرامش مرد بیان کرده‌اند و معتقدند که اصل در حیات، مردان هستند و بر اساس آن، کهنتری و فروتری زن و مهتری و فراتری مرد را استنباط نمودند؛ با آنکه هریک از زن و مرد سبب آرامش دیگری است.

نمونه آخر حرف «ثُمَّ» است که دانشمندان نحو بر آن دلالت‌های مختلفی (تشریک، ترتیب و تراخی) بیان کردند (سیبویه، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۴۳۸). برخی مفسران یادشده، «ثُمَّ» در آیه ۶ سوره زمر را بر تراخی رتبی و منزلتی تعبیر نمودند: «ثُمَّ الدَّالُّ فِي تَرَاخِي الْمَنْزِلَةِ لَا فِي تَرَاخِي الزَّمَنِ» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۲۲)؛ «ثُمَّ» بر تأخیر رتبی دلالت دارد نه تأخیر زمانی. ولی باید توجه داشت که «ثُمَّ» زمانی بر تراخی رتبی دلالت می‌کند که در آیه، شواهدی دال بر پایین بودن جایگاه معطوف نسبت به معطوف‌علیه وجود داشته باشد (مشکین‌فام، ۱۳۹۷، ص ۱۲). چنین شواهدی نه تنها در آیه بالا یافت نشد، بلکه شواهد بسیاری بر یکسانی و یگانگی ماهوی زن و مرد وجود دارد که بارزترین آنها تقریر تقوی به عنوان میزان واحد ارزیابی برای همه انسان‌هاست: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳/ ۴۹) که در برخی آیات خلقت (نساء: ۱/ ۴) نیز، بر آن تأکید شده است و مهم‌ترین آنها، اشتراک در استعداد کسب بالاترین نعمت خداوند یعنی رضوان الهی است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۱/ ۹)

(۷۲): «خداوند به مردان و زنان با ایمان باغ‌هایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند بود و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشت‌های جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر است. این است همان کامیابی بزرگ».

مفسران پیش‌گفته با وجود اختلاف در برخی مفردات آیات خلقت (من، زوج)، نتیجه مشترکی از کیفیت خلقت زن (خلقت حواء از اعضای آدم ع) و فلسفه خلقت زن (سکون و آرامش مردان) نتیجه گرفته‌اند که اشاعه فروتری زن و نگاه ابزاری به زن را به نام دین به دنبال دارد.

ب) برخی مفسران پیش‌گفته، به دو نوع خلقت معتقدند: ایشان کیفیت خلقت، ذیل آیه ۱۸۹ اعراف را مختص بهشت دانسته‌اند و معتقدند، برای بعد هبوط شکل دیگری از خلقت لازم است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۸۶/قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۳۳۷) درحالی‌که نه تنها در قرآن تصریحی در این زمینه صورت نگرفته است؛ بلکه ادعای یادشده با هدف آیات خلقت - اشاره به مبدأ واحد همه انسان‌ها برای دعوت به تقوا (نساء: ۱/۴) و تعاون در زندگی مشترک برای سکون و تعالی انسان‌ها - تناسب ندارد (روم: ۲۱/۳۰؛ اعراف: ۱۸۹/۷).

ج) ابن‌عربی مواردی چون قوامیت مرد و پرداخت نفقه و مهریه را از جمله عوامل فرج‌بودن زن و اصل بودن مرد ذکر می‌کند (ابن‌عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۱۶۰)، درحالی‌که اولاً، اگر هدف آیات خلقت اشاره به تبعیض بین زن و مرد است که در دوران جاهلیت نیز جاری بود، نزول این آیات چه وجهی می‌تواند داشته باشد؟ ثانیاً، برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر در امور اکتسابی است، حتی برتری پیامبران و امامان (ع) نسبت به سایر مردم، زیرا در غیر این صورت، به عنوان الگو به جامعه اسلامی معرفی نمی‌شدند. بنابراین، برتری در آیه ۳۴ سوره نساء ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ به فرض صحت، خدادادی است که به خودی خود، افضلیتی برای مردان نسبت به زنان به دنبال ندارد. از سوی دیگر، این آیه برعکس آیات خلقت که هویت انسانی زن و مرد را بیان می‌کنند، مسائل حقوقی را مطرح می‌نماید که در آنها تکالیف و مسئولیت‌ها براساس ساختار وجودی هر دو صنف (زن و مرد) و حقوق هر یک بر اساس نیاز آن دو، تقسیم و تعیین شده است، نه بر مبنای شخصیت انسانی که برتری مرد نسبت به زن و یا فراتری مرد و فروتری زن استنباط شود. به همین دلیل، قوامیت مورد نظر نه دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی مردان است، و نه سبب امتیاز در جهان دیگر؛ زیرا این امر، صرفاً بستگی به تقوی و پرهیزگاری دارد ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾ (حجرات: ۱۳/۴۹) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۲/مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، صص ۳۱۵-۳۱۶).

د) از ویژگی‌های تفاسیر مذکور ذیل آیات یادشده، تفسیر ترتیبی بدون بررسی ارتباط آیات خلقت با یکدیگر است. از جمله آنها:

۱. بی‌توجهی به ارتباط آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ (نساء: ۱/۴) با آیه ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ (اعراف: ۱۸۹/۷) و آیه ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱/۳۰).

برخلاف نظر مفسران پیش گفته ذیل آیات خلقت که به تبعیض در حقیقت زن و مرد معتقدند، در آیه ۱ نساء، «نفس واحدة» بیانگر مبدأ واحد همه انسان‌هاست؛ زیرا «خلق» به خلقت مستقل اشاره دارد؛ ولی آیه ۱۸۹ سوره اعراف، با ذکر کلمه «جعل» به جای «خلق»، به بیان علت خلقت زن و مرد از منشأ واحد می‌پردازد که از آن به ایجاد سکون و آرامش بین آن‌ها یاد می‌کند (شعراوی، بی تا، ج ۱، ص ۹) و لازمه سکون زن و مرد در زندگی مشترک، تساوی در مبدء خلقت است، نه تبعیض. همچنین، سکون طبق آیه ۲۱ روم ﴿لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ دو سویه است نه یک طرفه. شاهد بر این مطلب، ضمیمه شدن «مودت و رحمت» به «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» است که بر نیاز متقابل آن دو صنف در این ایجاد آرامش نسبت به یکدیگر برای مشارکت در همه جهات زندگی تأکید می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۸۲۴) همچنان که طباطبایی، زن و مرد را در «مودت و رحمت» ملازم یکدیگر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

۲. بی توجهی به ارتباط بین آیه ۱۸۹ اعراف با آیه ۲۱ روم. آیه نخست به گوشه‌ای از آرامش اشاره دارد و آیه دوم تمام آن را بیان می‌کند (مهریزی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۶). در واقع، آرامش در زندگی مشترک، نه تنها در سایه تأمین نیاز جنسی متقابل که ماحصل آن تکثیر نسل و پاسخگویی به برخی نیازهای فطری، از جمله حس پدر و مادری است، بلکه فراتر از آن، در سایه درک متقابل و در نهایت، تکامل یکدیگر پدیدار می‌گردد که عبارت‌های «مَوَدَّةٌ وَ رَحْمَةٌ» و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» در سوره روم گویای آن هستند.

بنابراین، سکون (آرامش) در این آیات، امری شهبوانی و حسی نیست که مفسران پیش گفته بیان کردند و بر اساس آن، فلسفه خلقت حواء(ع) را تناسل و باروری و صرفاً آرامش مرد ذکر کرده‌اند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۸۶ / قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۲۳۵ و ج ۷، ص ۳۳۷ / ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۸۴)؛ بلکه آرامش روحی و روانی منظور است (مهریزی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۶) که به عنوان یک ضرورت حیاتی در تعادل روحی انسان و رفع تشویش و اضطراب و در نهایت، برخورد درست با مسائل و مشکلات زندگی از آثار آن است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱۵).

گفتنی است، در صورت اختصاص ایجاد آرامش به زن که مفسران غرب جهان اسلام بدان معتقدند (ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۱۶۰ / ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۸۶ / قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۳۳۸ / ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۸۵)، با توجه به حیاتی بودن آرامش در زندگی انسان، مرد وابسته به زن تلقی می‌شود نه بالعکس. به عبارت دیگر، فرض سکونت یک طرف بر زن، اگر تمجید و امتیاز بر زنان نباشد، منقصتی بر آنان محسوب نمی‌شود (مهریزی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۶).

ه) وجود احادیث متعارض در یک موضوع، ضرورت بررسی مجموع روایات وارده در آن زمینه را توأم با بررسی سندی و محتوایی می‌طلبد (تاجری نسب، ۱۳۸۹، صص ۱۶-۲۰). این امر درحالی است که مفسران پیش گفته، در تأیید تفاسیر خود ذیل آیات خلقت، به روایاتی استناد نمودند که فهم آنان را تأیید می‌کند. مضمون روایات خلقت را می‌توان به گونه‌های زیر تقسیم کرد:

- برخی از روایات به خلقت نو و بدیع حوا اشاره می‌کنند، مانند روایت ذیل از امام صادق(ع): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ آدَمَ (ع) مِنْ طِينٍ ثُمَّ ابْتَدَعَ لَهُ حَوَاءَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۳)؛ همانا خداوند متعال آدم را از گل آفرید، سپس حواء را برایش ابداع کرد؛

- بعضی به خلقت از گل باقی مانده تصریح دارند، مانند «قال النبی (ص): خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ (ع) مِنْ طِينٍ وَ مِنْ فَضْلَتِهِ وَ بَقِيَّتِهِ خُلِقَتْ حَوَاءُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۹۸۹)؛ پیامبر(ص) فرمود: خداوند حضرت آدم(ع) را از گل خلق کرد و از باقیمانده آن، حواء خلق شد؛

- پاره‌ای به خلقت حوا از ضلع، بدون ذکر اسم آدم(ع) اشاره می‌کنند؛ مانند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ» (بخاری، بی تا، ج ۵، ص ۳۲۰/مسلم، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۰۹۱)؛ رسول خدا(ص) فرمود: به وصیت من درباره خوش رفتاری با زنان توجه کنید؛ زیرا زن از دنده پهلو آفریده شده است؛

- در بعضی روایات، خلقت حواء از ضلع در مقابل خلقت وی از گل باقیمانده قرار می‌گیرد: «عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ حَوَاءَ؟ فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُ هَذَا الْخَلْقُ؟ قُلْتُ يَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَهَا مِنْ ضِلْعٍ مِنْ أَضْلاعِ آدَمَ. فَقَالَ: كَذَبُوا كَأَن يُعْجِزُهُ أَنْ يَخْلُقَهَا مِنْ غَيْرِ ضِلْعِهِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهَا؟ فَقَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَبَضَ قَبْضَةً مِنْ طِينٍ فَخَلَطَهَا بِيَمِينِهِ وَ كَلَّنَا يَدَيْهِ يَمِينٍ فَخَلَقَ مِنْهَا آدَمَ وَ فَضَلَتْ فَضْلَةً مِنَ الطِّينِ فَخَلَقَ مِنْهَا حَوَاءَ» (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۶/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۱۱۶)؛ ابومقدام گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: خدا حواء(ع) از چه چیز را آفرید؟ اما فرمود: دیگران چه می‌گویند؟ گفتم: معتقدند خدا حواء را از دنده چپ آدم آفرید. امام فرمود: دروغ می‌گویند. آیا خداوند ناتوان بود، حواء را مستقل بیافریند؟ گفتم: فدایت گردم! ای پسر رسول خدا(ص)، خداون حواء را از چه چیز خلق کرد؟ امام فرمود: پدرم از پدرانش از رسول خدا(ص) نقل کرده است که فرمود: خدا مشتکی از گل برداشت و با دست راست خود - که هر دو دست او راست است - آن را به هم زد و از آن آدم را بیافرید و مقداری از آن گل باقی ماند که از آن حواء را خلق کرد.

به دلایل ذیل، روایات بالا را به تنهایی و بدون بررسی سایر روایات نمی‌توان پذیرفت:

۱. همه روایات یادشده، به پیامبر(ص) و ائمه(ع) نسبت داده می‌شوند و کلام آنان از ثبات و استحکام برخوردار است نه اضطراب و تناقض، حال آنکه روایات فوق دچار اضطراب هستند؛
۲. برخی احادیث مذکور، معارض آیات قرآن و دریافت‌های علمی است که در ادامه بحث توضیح داده می‌شود. به علاوه، پیامبر(ص) و ائمه(ع) کلامی معارض با قرآن و علم بیان نمی‌کنند؛
۳. منشأ روایات خلقت زن از دنده چپ مرد که مفسران یادشده استناد کرده‌اند، تورات و متأثر از فرهنگ یهود است. در سفر پیدایش آمده است: «خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خداوندی از آن دنده را که از آدم برگرفته بود، زنی بنا کرد» (پیدایش: ۲/ ۱۸ و ۲۱)، ولی هیچ آیه‌ای در قرآن به این مطلب تصریح ندارد. امام صادق(ع) در رد این تفکر می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا أ يَقُولُ مَنْ يَقُولُ هَذَا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ

يَكُنْ لَهُ مِنَ الْقُدْرَةِ مَا يَخْلُقُ لَأَدَمَ زَوْجَتَهُ مِنْ غَيْرِ ضَلْعِهِ...» (صدوق، بی تا، ج ۱، صص ۱۷-۱۸)؛ خداوند منزه و برتر از این دیدگاه (خلقت حواء از دنده چپ آدم) است. آیا کسی که این دیدگاه را دارد گمان می‌کند که خداوند قدرت بر خلق همسر آدم از غیر استخوان پهلوی او را نداشته است؟!۴

۴. بعضی از مفسران پیش‌گفته برای تأیید تفسیر خود ذیل آیات خلقت، مبنی بر خلقت زن از دنده چپ مرد، به روایتی استناد کرده‌اند که اسم آدم (ع) بعد از واژه «ضلع» ذکر نشده است: «خلقت امرأة من ضلع» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲ / ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵)؛ حال آنکه اولاً، معانی مختلفی برای واژه «ضلع» ذکر شده است: مشتق و تعب، جور و اعواج (عوده، ۲۰۱۷، صص ۱۷۴-۱۷۵)؛ ثانیاً، روایت‌های دیگری معارض آن است، از جمله: «خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ طِينٍ وَ مِنْ فَضْلَتِهِ وَ بَقِيَّتِهِ خُلِقَتْ حَوَاءُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۹۹)، ولی برخی مفسران یادشده، با مقابله بین این دو دسته از روایات خلقت، خلقت حواء از پهلوی آدم (ع) را درست‌تر از نظری می‌دانند که خلقت حوا را از باقیمانده گل آدم (ع) دانسته‌اند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴)؛

۵. گذشته از همه این‌ها، اگر بپذیریم که زن از مرد خلق شده و جسم زن از جسم مرد خلق شده، ولی روح را خدا دمیده است و هویت انسانی به روح اوست و نه به جسم (مهریزی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۲).  
 (و همواره در طول تاریخ اسلام، جعل حدیث و نسبت دادن آن به پیامبر (ص) وجود داشته است تا جایی که پیامبر (ص) روایات عرضه به قرآن را صادر فرموده است: «آنچه از من به شما برسد، آن را بر کتاب خدا عرضه کنید. پس، آنچه موافق قرآن نباشد، از من نیست» (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷۰). بر این اساس، عرضه «روایات خلقت» که برخی از احکام فقهی مانند ارث، شناخت انوثیت را نیز، تحت تأثیر قرار داده‌اند، ضروری است (حصکفی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۷۲۸)؛ ولی عملکرد تفسیری مفسران پیش‌گفته ذیل آیات یادشده، خالی از این رفتار است درحالی‌که در قرآن آیه‌ای که محتوای روایات مستند آنان (خلقت زن از دنده چپ مرد) را تصریح کند، نه تنها یافت نشد؛ بلکه قرآن منشاء همه انسان‌ها اعم از زن و مرد را یک جنس (خاک) ذکر کرده است: ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ﴾ (روم: ۲۰/۳۰). بنابراین، روایات «خلقت زن از دنده چپ مرد» مخالف قرآن بوده و در نتیجه، قابل استناد نیستند و تفسیری که بر مبنای آنها ارائه شود، قابل اعتنا نخواهد بود.

از نظر علمی نیز، در پژوهش‌های متعدد مربوط به «آناتومی قفسه سینه»، به تساوی دنده‌های انسان (زن و مرد) تصریح شده است (دریک، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۲۰). از نظر عقلی نیز اولاً، روایاتی که آیات قرآن آنها را تأیید نمی‌کند و علم خلاف آن را ثابت کرده است، از حجیت ساقط‌اند و نمی‌توانند منبع قابل استناد برای تفسیر آیات قرآن قرار گیرند. ثانیاً، اگر زن از دنده چپ مرد خلق شده بود، نه تنها در آیات بدان تصریح می‌شد، بلکه به دلایل و اهداف آن برای پیشگیری از هر نوع شبهه‌ای اشاره می‌گردید.

ز) بی‌توجهی به الگو بودن برخی زنان برای همه مؤمنان. قرآن می‌فرماید: ﴿وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ﴾ (تحریم: ۱۱/۶۶). بر اساس این آیه، در معرفی الگو و تجلیل از شخصیت‌ها، فرقی میان زن و مرد نیست (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۸۴). گفتنی است، در صورت درستی تفسیر عرضه شده (فرع و درجه دو بودن زن) از مفسران مذکور، آیه پیش‌گفته باید

با موصول و صله مؤنث شروع می‌شد تا حضرت آسیه صرفاً اسوه زنان مؤمن باشد؛ درحالی‌که آیه با موصول و صله مذکر بیان شده است که از باب تغلیب می‌باشد. پس، همه مؤمنان اعم از زن و مرد را شامل می‌شود، یعنی آسیه برای همه اسوه و الگوست.

ح) با توجه به فاصله زمانی حیات مفسران غرب جهان اسلام که از ابن عربی (۵-۶ ق) تا ابن عاشور (۱۴ ق) نزدیک به ده قرن می‌گذرد و در طول آن تغییر اساسی در موقعیت زنان ایجاد شده است به طوری که حضور فعال و مؤثر آنان در بخش‌های مختلف جامعه (به عنوان پزشک، معلم، محقق و سیاستمدار و...) را که پیش‌تر در اختیار مردان بوده، شاهد هستیم؛ تغییری در آراء تفسیری مفسران یادشده، خصوصاً ابن‌عاشور که از مفسران نواندیش و دارای آرای اصلاحی و صاحب‌نام عصر حاضر در غرب جهان اسلام است، نسبت به آیات خلقت زن به چشم نمی‌خورد. از سویی، واقعیت‌های اجتماعی جامعه هر مفسر به عنوان پیش‌فرض و از عوامل مؤثر در برداشت‌های تفسیری اوست (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۳). با وجود این، تفسیر یکسان و مشابه از کیفیت و هدف از خلقت زن، با مستندات یکنواخت از سوی مفسران پیش‌گفته را شاهد هستیم که بیشتر به نقل قول از یکدیگر می‌ماند و غلبه جنسیت را در مفسران یادشده نمایان می‌کند.

### نتیجه‌گیری

از پژوهش حاضر نتایج ذیل بدست آمد:

۱. مفسران غرب جهان اسلام با وجود اختلاف در معنای مفردات آیات خلقت زن از مرد (من، زوج)، نتیجه مشترکی را از کیفیت خلقت زن و هدف از خلقت وی را ارائه نموده‌اند به طوری که جملگی، خلقت زن را از دنده چپ مرد دانسته و براساس آن، هدف از خلقت وی را آرامش مرد بیان کرده‌اند. در حقیقت از نظر ایشان، اصل در حیات، مردان هستند و زنان برای کمال و آرامش آنان آفریده شده‌اند. چنین برداشتی بیانگر نگاه ابزاری نسبت به زن از سوی مفسران پیش‌گفته، من جمله ابن‌عاشور، مفسر نواندیش است که فروتری زن نسبت به مرد را در پی دارد.

۲. از بین مفسران یادشده، ابن‌عطیه و قرطبی، کیفیت خلقت در برخی آیات یادشده (اعراف: ۱۸۹/۷) را مربوط به بهشت می‌دانند و برای بعد هبوط خلقت متفاوتی را معتقدند.

۳. روایات خلقت زن از دنده چپ مرد، تنها مبنای غیرمستند مفسران مذکور بر درجه دو قلمدادکردن زن نسبت به مرد است که ناهمسانی دنده‌های زن و مرد را گزارش می‌دهد؛ درحالی‌که تحقیقات علمی، تساوی دنده‌های آن دو را ثبت کرده‌اند.

۴. از نظر عقلی نیز، اشاره به برتری مرد نسبت به زن از نظر هویت انسانی، وجهی جز تداوم انواع ظلم و ستم علیه زن که در دوران جاهلیت جاری بوده است، ندارد. با احتساب اینکه خداوند اهل ظلم نیست و رسالت اصلی قرآن کریم، خصوصاً در آیات خلقت، رفع تبعیض با اشاره به مبدأ واحد خلقت زن و مرد و نقش مشترک آن دو در توسعه نیروی انسانی، تأکید به تقوا به عنوان تنها میزان ارزیابی همه همراه بوده است. بنابراین، جنسیت، نقشی در فراتری یا فروتری انسانها ندارد و افضل بودن اکتسابی است. مؤید این مطلب، یکسانی زن و مرد در رشد کمالات معنوی و انسانی و دریافت پاداش است که در آیه ۳۵ سوره احزاب بدان تصریح شده است. ازاین‌رو، در آیات خلقت، ارزش جنسیتی مطرح نیست.

۵. تفسیر مفسران یادشده مبنی بر اینکه زن از دنده مرد خلق شده و زن فرع و مرد اصل است، بر مستند قرآنی و علمی و عقلی استوار نیست.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: محمد مهدی فولادوند؛ تهران: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۱. آلوسی، محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
  ۲. ابن عاشور، محمد طاهر؛ *التحریر و التنویر*؛ بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
  ۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله؛ *احکام القرآن*؛ بیروت: دار الجیل، ۱۴۰۸ق.
  ۴. ابن عطیة اندلسی، عبدالحق؛ *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*؛ تحقیق: عبد السلام عبد الشافی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
  ۵. ابن فارس، احمد؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
  ۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ تحقیق: شمس الدین محمد حسین، بیروت: دار الکتب - العلمیة، ۱۴۱۹ق.
  ۷. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۰ق.
  ۸. اعلمی حائری، محمد حسین؛ *دایرة المعارف الشیعیة العامة*؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
  ۹. ایازی، محمد علی؛ «تأثیر شخصیت مفسر در تفسیر قرآن»؛ مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۱۹، ۱۳۷۸ش، صص ۹-۴۳.
  ۱۰. \_\_\_\_\_؛ *قرآن و تفسیر عصری*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
  ۱۱. \_\_\_\_\_؛ *المفسرون حیاتهم و منهجهم*؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ق.
  ۱۲. ایزوتسو، توشی هیکو؛ *خدا و انسان در قرآن*؛ ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱ش.
  ۱۳. احسانی، کیوان و زهرا محمدی؛ «خلقت آدم و حواء در قرآن و تورات»؛ بینات، شماره ۸۸، ۱۳۹۴ش، صص ۱۷-۳۴.
  ۱۴. بابایی، علی اکبر و همکاران؛ *روش شناسی تفسیر قرآن*؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ش.
  ۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *صحیح البخاری*؛ مصر: وزارة الاوقاف، بی تا.
  ۱۶. بنت الشاطی، عائشة؛ *الإعجاز الیسانی للقرآن*؛ قاهره: دار المعارف، ۱۴۰۴ق.
  ۱۷. تاجری نسب، غلامحسین و اعظم بهادری؛ «بررسی آفرینش زن در قرآن، احادیث، و تورات»؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۶، ۱۳۸۹ش، صص ۹-۲۴.
  ۱۸. ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد؛ *تفسیر الثعالبی*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
  ۱۹. جوادی آملی، عبدالله؛ *زن در آئینه جلال و جمال الهی*؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
  ۲۰. حاجی اسماعیلی، محمدرضا و مصطفی زمانی؛ «مبدأ آفرینش زن با نگرش تفسیری و روایی»؛ کاوش های دینی، شماره ۶، ۱۳۹۰ش، صص ۱۸۷-۲۱۰.
  ۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة*؛ قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
  ۲۲. حصکفی، محمد بن علی؛ *الدر المختار*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۳۸۶ق.
  ۲۳. حمیری، نشوان بن سعید؛ *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام*؛ دمشق: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
  ۲۴. داودی، سعید؛ *زنان و ۳ پرسش اساسی*؛ قم: امام علی بن ابی طالب، ۱۳۹۳ش.
  ۲۵. دریک، ریچارد ال، *آناتومی گری برای دانشجویان*، ترجمه: رضا شیری، تهران: ابن سینا، ۱۳۹۹ش.
  ۲۶. دو بووار، سیمون؛ *جنس دوم*؛ ترجمه: قاسم صنعوی، مشهد: توس، ۱۳۸۸ش.
  ۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات الفاظ القرآن*؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.



۲۸. زبیدی، محمد بن محمد؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۹. زحیلی، وهبه؛ *التفسیر المنیر*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۱ق.
۳۰. زرسازان، عاطفه؛ «معناشناسی نفس در قرآن کریم با تأکید بر روابط همنشینی و جانشینی»؛ پژوهش زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۴، ۱۳۹۷ش، صص ۵۱-۶۶.
۳۱. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف*؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۲. سیبویه، عمرو بن عثمان؛ *الکتاب*؛ تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۹۸۸م.
۳۳. شاکر، محمد کاظم؛ *میانی و روش‌های تفسیری*؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۳۴. شریفی، صالحه؛ «روایات خلقت زن یا حواء در بوته نقد و نظر»؛ تحقیقات قرآنی و حدیثی، شماره ۱، ۱۳۹۸ش، صص ۲۷-۳۷.
۳۵. شعراوی، محمد متولی؛ *قصص الانبیاء والمرسلین*؛ قاهره: التراث الإسلامی، بی‌تا.
۳۶. شکیب انصاری، محمود؛ محمود آبدانان مهدی‌زاده و کبری محمدی ساری بگلو؛ «نظرات نحوی ابن عاشور در توجیه منصوبات متشابه در "التحریر و التنویر"»؛ پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۷، ۱۳۹۴ش، صص ۹۳-۱۰۴.
۳۷. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم؛ *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ق.
۳۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ *علل الشرایع*؛ نجف: المکتبه الحیدریة، بی‌تا.
۳۹. طالقانی، محمود؛ *پرتوی از قرآن*؛ قم: صبح صادق، ۱۳۸۴ش.
۴۰. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان لعلوم القرآن*؛ تحقیق: فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۲. طریحی، فخرالدین؛ *مجمع البحرین*؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۳. طیب، عبدالحسین؛ *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: اسلام، ۱۳۶۹ش.
۴۴. علوی‌نژاد، سیدحیدر؛ «آفرینش زن در قرآن، کتاب مقدس و اسرائیلیات»؛ نشریه سفیر نور، شماره ۱، ۱۳۸۶ش، صص ۷۷-۹۴.
۴۵. عوده، سلمان؛ *علمنی أبی مع آدم من الطین إلى الطین*؛ ریاض: موسسه الاسلام، ۲۰۱۷م.
۴۶. عیاشی، محمد بن مسعود؛ *تفسیر العیاشی*؛ تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة، بی‌تا.
۴۷. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *التفسیر الکبیر*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *العین*؛ قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۴۹. فیومی، احمد؛ *المصباح المنیر*؛ بیروت: مکتبه العلمیة، ۱۹۲۹م.
۵۰. فرجانی، اعظم؛ «آفرینش حواء در قرآن و روایات»؛ نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ۴، ۱۳۸۵ش، صص ۲۲-۵.
۵۱. قرطبی، محمد بن احمد؛ *الجامع لأحكام القرآن*؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۵۲. قرشی، علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۵۳. قطب، محمد؛ *زن در اسلام*؛ ترجمه: عبد الباسط عیسی‌زاده، بی‌جا: بنیاد نشر افکار و اندیشه‌های سید قطب و محمد قطب، بی‌تا.

۵۴. کتاب مقدس؛ ترجمه: فاضل خان همدانی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۰ ش.
۵۵. کدخدایی، محمدرضا؛ «خلقت زن در اسلام، فراتری یا فروتری»؛ نشریه پاسخ، شماره ۱، ۱۳۹۵ ش، صص ۲۷-۵۴.
۵۶. کرامتی، معصومه؛ مهدی سجادی؛ علی رضا صادق زاده قمصری و محسن ایمانی؛ «تبیین ملاحظات جنسی و جنسیتی در ارزش‌شناسی فیهنسیسم، آگزیستانسیالیسم و اسلام: ارائه راهبردها»؛ مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۲، ۱۳۹۰ ش، صص ۲۲۵-۲۸۷.
۵۷. متین، رویا؛ «آزادی، جنسیت، ادیان الهی»؛ بانوان شیعه، شماره ۳، ۱۳۸۴ ش، صص ۴۹-۶۸.
۵۸. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۵۹. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۲ ق.
۶۰. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۶۱. مغنیه، محمدجواد؛ التفسیر الکاشف؛ قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۶۲. مهریزی، مهدی؛ زن در اندیشه اسلامی؛ تهران: طبع و نشر، ۱۳۸۱ ش.
۶۳. \_\_\_\_\_؛ قرآن و مسأله زن؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۳ ش.
۶۴. مشکین فام، بتول؛ «بررسی شناختی شبکه معنایی حرف «ثم» در قرآن کریم»؛ پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۴، ۱۳۹۷ ش، صص ۱-۱۶.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۶۶. ناصری طاهری، عبدالله؛ مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۶۷. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر؛ فرهنگ معارف قرآن؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ ش.
۶۸. هیشمی، علی بن ابی‌بکر؛ مجمع الزوائد؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.